

## گزارشی از حرکت کارگران «کانی ساز جم» برای گرفتن حقوق معوقه خود

احمد کارگر، فعال جنبش کارگری

یکشنبه بیست هفتم مرداد ۱۳۸۷

شرکت کانی سازجم تولید کننده مواد اولیه روغن نباتی است و در حوالی شهرستان رودبار در استان گیلان قرار دارد. کارگران این شرکت ۴ ماه است حقوق نگرفته اند. در تاریخ ۸۷/۴/۳۰ راس ساعت ۹ صبح تعدادی از کارگران این شرکت برای مطالبه ۴ ماه حقوق معوقه خود به دفتر مدیریت مراجعه می کنند. مدیریت شرکت پس از شنیدن درخواست کارگران آن ها را تهدید به اخراج می کند و می گوید: هر کس می خواهد، در این شرکت کار کند و هرکس نمی خواهد برود. همین است که هست. ما برای کسی کارت دعوت نفرستاده ایم. از همین فردا هم شرکت را تعطیل می کنیم. بروید هرکاری دلتان خواست بکنید. کارگران پس از شنیدن حرف های مدیریت شرکت با رئیس اداره کار و امور اجتماعی تماس می گیرند و مسائل و مشکلات خود را با او در میان می گذارند. رئیس اداره کار نه تنها حاضر نمی شود به شرکت بیاید و از نزدیک وضعیت کارگران را بررسی کند، بلکه با وقاحت تمام می گوید: شرکت کانی ساز شرکتی خصوصی است و کارفرما می تواند هر وقت دلش خواست حقوق بدهد. اگر شما از وضعیت کار خود ناراضی هستید، می توانید در آن جا کار نکنید و بروید جای بهتری کار کنید. کارگران پس از شنیدن اظهارات رئیس اداره کار تصمیم می گیرند اعتصاب کنند.

به این ترتیب حدود چهل نفر از کارگران خط تولید دست از کار می کشند و چند نفر به نمایندگی از طرف کارگران به دفتر فرمانداری شهرستان رودبار می روند. کارگران مسائل و مشکلات خود را برای فرماندار و نماینده مردم رودبار در مجلس که اتفاقاً در دفتر فرمانداری حضور داشته است بیان می کنند. در این حین خبرنگار روزنامه محلی " شکوفه های زیتون" هم وارد دفتر فرمانداری می شود و علت تجمع کارگران در فرمانداری را می پرسد. پس از شنیدن صحبت های کارگران نماینده حراست فرمانداری با رئیس اداره کار و مدیریت شرکت کانی ساز تماس می گیرد و آنان را به دفتر فرمانداری احضار می کند. پس از آمدن آن ها، یکی دوساعتی پشت درهای بسته با هم مذاکره و گفت و گو می کنند. بالاخره پس از انتظاری طولانی فرماندار در مقابل نمایندگان کارگران ظاهر می شود و در پاسخ کارگران می گوید: در حال حاضر شرکت به علت عدم فروش در آستانه ورشکستگی است و شما باید با این شرایط مدارا کنید تا شاید وضع بهتر شود. یکی از کارگران با ارائه لیست کل فروش یک ماه و فروش سالیانه شرکت و مقدار سود آن و همچنین با ارائه مقدار حقوق پرداخت شده به کارگران طی سال گذشته، با آمار و ارقام مکتوب به فرماندار نشان می دهد که شرکت نه تنها در آستانه ورشکستگی نیست، بلکه سودده هم هست و با این وجود کارفرما از پرداخت حقوق ناچیز کارگران خودداری می کند. فرماندار که در مقابل دلایل مستند کارگران قرار می گیرد، از کارگران می خواهد که برای بررسی بیشتر موضوع ۲۴ ساعت به او وقت بدهند و تا آن موقع به سر کارهایشان برگردند.

کارگران به محل کار خود برمی گردند. روز بعد نمایندگان کارگران به دفتر فرمانداری می روند تا ببینند مذاکرات فرماندار و رئیس اداره کار با مدیریت شرکت به کجا رسیده است. به کارگران می گویند قرار بر این شده که طی دو

چک مدت دار سه ماهه، حقوق معوقه کارگران پرداخت شود. یکی از کارگران در مقابل این تصمیم گیری ناعادلانه می گوید: یعنی این که ما برویم در کوچه ها بخوابیم؟! ما چهار ماه است حقوق نگرفته ایم. براساس تصمیم شما سه ماه دیگر هم باید صبر کنیم. می شود هفت ماه. در این مدت چه طور زندگی کنیم؟ خرج زن و بچه هایمان را از کجا بیاوریم؟ آیا شما می دانید مستاجر بودن یعنی چه؟ آیا شما می دانید وقتی صاحب خانه هر دقیقه برای کرایه عقب افتاده اش در خانه شما را می زند یعنی چه؟ آیا شما می دانید وقتی بچه شما در تب می سوزد و شما حتی پول به درمانگاه بردن او را هم ندارید یعنی چه؟ این چیزها برای ما کارگران که همه این مصیبت ها را کشیده ایم مثل روز روشن است. اما طبیعی است که شما آقایان وضعیت ما کارگران را درک نکنید. زیرا هرگز وضع زندگی ما را نداشته اید.

به این ترتیب کارگران با اعتراض از دفتر فرمانداری خارج می شوند و به خانه هایشان می روند. فردای آن روز یعنی در تاریخ ۸۷/۵/۵ طبق معمول هر روز که کارگران وارد شرکت می شوند می بینند در تابلو اعلانات اطلاعیه ای زده شده و مدیریت شرکت در آن اعلام کرده که شرکت به علت تعطیلات تابستانی به مدت ۱۵ روز تعطیل است. کارگران با تعجب و نگرانی و اندوهی که بیشتر به مرگ شباهت داشت جلو تابلو اعلانات خشکشان زده بود و به هم نگاه می کردند که یکی از کارگران این سکوت مرگبار را شکست و گفت: برادران چه انتظاری دارید؟ زندگی ما کارگران برای سرمایه داران به اندازه مورچه های زیر پایشان هم ارزشی ندارد. در کجای دنیا دیده اید سرمایه داران دلشان برای کارگران بسوزد؟ از قبل کار ما بهترین زندگی را می کنند و زن و بچه هایشان در ثروت و نعمت غرق هستند، در حالی که ما برای نان شب مان معطلیم و باید شرمند زنی و بچه مان باشیم. دل بستن به این اداره و آن اداره هم کار بیهوده ای است. نه از آسمان و نه از زمین هیچ معجزه ای برای ما نمی شود. ما کارگران فقط به نیروی اتحاد و همبستگی خودمان است که می توانیم زندگی انسانی و سعادت‌مندی داشته باشیم و بس. بدین ترتیب کارگران پس از شنیدن صحبت های مالامال از خشم و نفرت و کینه طبقاتی دوست کارگر خود نسبت به سرمایه داران راهی خانه های خود شدند و منتظرند تا پس از پانزده روز تعطیلی ببینند چه در انتظارشان خواهد بود.

احمد کارگر، فعال جنبش کارگری

۸۷/۵/۵

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)